یادداشت

مشکلات اداره کشور از زبان روحانی

ضیا. مصباح
دبیر کانون علوم اداری ایران

با توجه به مسائل و مشکلاتی که این روزها دولت با آن مواجه شده، مناسب به نظر می‌رسد به چند نمونه از چالش‌هایی که آقای روحانی در کتاب خاطرات خود به تفصیل به آنها پرداخته است، اشاره شود.

روحانی یکی از منتقدان روند «تصمیم‌گیری» با تعارف موجود است و این نکته را یکی از اصلی‌ترین چالش‌های ساختاری کشورمان می‌داند. روند تصمیم‌گیری تصمیم‌گیران یا همان «تصمیم‌سازی»، در تفکر راهبردی ایشان پایه‌ای اساسی دارد و می‌نویسند: «هرگاه گزارش‌دهی به مسئولان ردۀ‌بالا به‌طور دقیق انجام نشده، این امر به چالش بزرگی در کشور انجامیده» و به نمونه‌هایی در حوزه سیاسی در دهه‌های اخیر اشاره می‌کند که بر اثر این چالش، «تصمیم‌گیری‌های مهمی به تاخیر افتاده یا موجب ازدست‌رفتن فرصت شده» است. روحانی درگیر معضلات جدی مدیریت مملکت در روزگاری که همه‌چیز تحت تأثیر وسایل ارتباط جمعی مدرن و اینترنت و حضور بیش از ۳۰ میلیون جوان تحصیل‌کرده قرار دارد، در گذشته‌های نه‌چندان دور، «عدم اعتماد و اطمینان و بدبینی به غرب در مسائل بین‌المللی» را مشکلی مضاعف برشمرده و رفع نکردن این موانع را عامل تکرار چالش‌ها در آینده دانسته‌اند. انگار که همین روزها و دوران مسئولیت ریاست دولت را می‌دیده‌اند. روحانی که تا سال ۱۳۸۴، مسئولیت مذاکرات هسته‌ای ایران با غرب را بر عهده داشت و بعدها با حملات شدید رادیکال‌ها مواجه شد، می‌نویسد: «در ماجرای هسته‌ای هم مسائل داخلی، گزارش اطلاعات کارشناسی به صورت ناقص به مسئولان ردۀ‌بالا و بی‌اعتمادی به غرب و سازمان‌های بین‌المللی همواره مشکل‌آفرین بود» و بخشی از مشکلات در پرونده هسته‌ای را ناشی از برداشت نادرست و ناقص مسئولان از مسائل حقوقی و سیاسی بین‌المللی می‌داند و برای این ادعا چند نمونه ارائه کرده و می‌نویسد: «اتهام یعنی مسئولان سازمان انرژی اتمی، فکر می‌کردند عدم اطلاع قبلی برنامه هسته‌ای را ۳/۵ درصد به آژانس، مسئله مهمی نیست و قصور رسمی محسوب نمی‌شود.

طبیعی بود که مسئولان ردۀ‌بالا هم در این‌گونه امور از جزئیات مسائل حقوقی کمتر اطلاع داشته باشند. ایشان که تا آگاهی داوطلب ریاست‌جمهوری در دو دوره بوده و بر این کرسی تکیه زده، جریان‌ها و گروه‌های سیاسی در ایران را تأثیرگذار در تصمیم‌های سرنوشت‌ساز می‌داند و در کتاب خود می‌نویسد: «گاهی شاهد رقابت ناسالم گروه‌های سیاسی با یکدیگر از یک سو و اقدامات نابه‌جای عده‌ای از سوی دیگر در کشور بوده و هستیم که می‌توانند حرف‌های نادرست خود را با هیاهو و جنجال و تبلیغات یا به واسطه ارتباط با مقامات مختلف به کرسی بنشانند». روزنامه‌های مخالف و رسانه‌های همسو، همواره منتقد سیاست‌های هسته‌ای دوران مسئولیت روحانی و حاتمی بوده و خواهان خروج ایران از معاهده‌های بین‌المللی مرتبط با انرژی هسته‌ای، ازجمله ایی‌پی‌ای و... در آزمون روحانی و به صورتی دیگر که برای رسانه به مورز آنها نیست، این مخالفت‌ها را ادامه می‌دهند (تیترهای این روزهای روزنامه کیهان همراه با دولت آمریکا، نمونه موجود استمرار این شرایط است). ایشان از پیچیده‌ترشدن مشکلات مرتبط با مسائل داخلی یاد می‌کند و می‌نویسد: «تصمیم‌گیری مسئولان در مواردی که مسئله‌ای مرتبط با مسائل اجتماعی داخلی و افکار عمومی باشد، با تحدوی پیچیده می‌شود» و برای نمونه، ماجرای کوکائین‌گری در سفارت آمریکا در سال ۵۸ را یادآور می‌شود و می‌نویسد: در مقطعی که مسئولان تصمیم داشتند از آن رخ کشد، گسی جرئت تصمیم‌گیری نمی‌کردم شود و با این جهت‌گیری به چالش مسئولیت تصمیم‌گیری می‌پردازد.

به‌عنوان مثال در مقوله «چالش مسئولیت تصمیم‌گیری» درباره بحران کوکائین‌گری می‌نویسد: «حوق در کشور حاکم شده بود مبنی بر اینکه تنها راه‌حل، تحویل شاه به ایران برای محاکمه یا محاکمه کوکائین‌ها در تهران است که در نهایت موضوع به تصمیم نمایندگان مردم در مجلس واگذار شد» یا درباره پایان جنگ می‌نویسد: «درباره پایان جنگ نیز تصمیم‌گیری با چالش‌ها و مشکلات عدیده‌ای مواجه بود؛ تاجایی که شرایط به‌گونه‌ای شد که به‌اجتار رهبر خود مجبور به تصمیم‌گیری شدند» و می‌گوید قدرت مسئولان برخی مسئولان در مسائل حساس و مهم، چنان محدود شده که کمتر کسی حاضر است مسئولیت سنگین تصمیم‌گیری را بر دوش بکشد؛ زیرا می‌دانند بعدا عده‌ای بی‌مسئولیت شیبور سرزنش و تهمت را به صدا درمی‌آورند.

آقای روحانی تاکید دارند که در «مقطع زمانی کنونی هم کم‌وبیش شاهد نمونه‌هایی از چالش مسئولیت تصمیم‌گیری در کشور هستیم» و یادآور می‌شوند (بهتر اینکه بگویم یادآور شده‌اند) تمام کشورهای بزرگ دنیا در شرایط حساس، اقدام به تصمیم‌گیری‌های سرنوشت‌ساز می‌کنند؛ «در این شرایط، اغلب تصمیم‌گیرندگان و رهبران سیاسی، مردم را قانع می‌کنند یا از قدرت کنار می‌روند». درهرحال و با وضعیت فعلی، ایشان در این شرایط آگاهانه تکیه بر منصب ریاست مملکت با همه اماوگرها زده تا خود را با وضعیتی مواجه کند که کشورمان در این روزگار نیاز به تصمیم‌گیری‌های سرنوشت‌ساز بسیاری، با همه ویژگی‌های برشمرده‌شده، در مقوله مدیریت کلان دارد.

رئیس‌جمهور فعلی با توجه به سوگندی که به آب تا متعهدند و انتظارات جامعه، هوشیار و شاهد و درعین‌حال ساکت، آرام و امیدوار به آینده آیا به‌عنوان منتخب ملت باید با شایستگی‌های نسبی که دارند، همان‌گونه که چالش‌های ساختاری را شناخته با بیش از ۵۰ ماه تکیه بر مسند ریاست‌جمهوری و... قادر است در این برهه کامی برای بهبود وضعیت و عبور از معضلاتی که در داخل، منطقه و جهان کنونی در پیش است و با شعار و برخورد احساسی مرتفع نمی‌شود، بردارد؟

آیا قادرند تصمیم‌گیران را بر اساس راه‌حل‌های منطقی و مناسب قانع کنند یا اینکه با کابینه کوفتار روزمرگی در چالش‌ها هضم خواهند شد به‌صراحت باید اذعان کرد در این موقعیت حساس یقینا مسیری بسیار برسنگلاخ در پیش است که چگونگی معرفی وزیر علوم «با همه نقش اساسی این وزارتخانه در بیشبرد امور علمی که اصلی‌ترین رمز پیشرفت و تعالی کشور به‌شمار می‌رود» در این میان قابل اغماض به‌نظر می‌رسد. توفیق ایشان امید عنده ملت است.

با استفاده از ظرفیت اروپا، وارد درگیری مستقیم با ترامپ نشویم

علی خرم در گفت‌وگو با «شرق»

حسین سخندان

با وجود غیرقابل پیش‌بینی‌بودن انتخاب ترامپ به‌عنوان نامزد نهایی جمهوری‌خواهان در انتخابات گذشته ریاست‌جمهوری آمریکا و همین‌طور احتمال ضعیف برنده‌شدن او مقابل هیلاری کلینتون، واقعیت جهان امروز حضور او در تاخ سفید و نشستن روی صندلی ریاست‌جمهوری است. مواضع اخیر او درباره برجام و سخنانی که در قبال ایران و ایرانیان بیان کرد، واکنش‌های بسیاری را برانگیخت. شرایط فعلی ایران و آمریکا را با علی خرم، دیپلمات باسابقه کشورمان و نماینده پیشین ایران در مقر اروپایی سازمان ملل، به بحث گذاشته‌ایم.

◄ چرا ترامپ بعد از این اتفاق، به رفتارهای خارج از عرف خود ادامه داد درحالی‌که پیش‌بینی این بود که او تحت‌تاثیر سایر مراکز تصمیم‌گیری در ایالات متحده و البته قواعد ناگزیر یک رئیس‌جمهور، کمی تعدیل خواهد شد؟

ترامپ به خودش فکر می‌کرد که رئیس‌جمهور می‌شود و نه جامعه آمریکا به این موضوع باور داشت. به‌همین‌دلیل ترامپ با دست باز هرچه را بر زبانش آمد، بیان کرد. چراکه به انتخابات هم به‌عنوان یک شوی تبلیغاتی می‌نگریست. شعارهای غیرقابل‌اجرا و عوامانه سر داد. اما بنا به دلایلی که جای بحث آن نیست، توانست آرای انتخاری بیشتری جذب کند. این شرایط همچنان برای او به اتمام نرسیده و این از ویژگی‌های ذاتی اوست، همان‌طوره در ایران هم با موارد مشابهی را داشته‌ایم که افراد ذاتا به حرف‌های خاص و مردم‌فریبانه علاقه‌مند هستند.

◄ چرا دستگاه‌های دیگر در آمریکا او را محدود نکرده‌اند؟

چرا در ماجرای ممنوعیت صدور ویزا برای اتباع چند کشور از جمله ایران، این اتفاق رخ داد. صاحب‌نظران و مردم آمریکا می‌دانند کار فرار باشد مبنای منطقی تامین امنیت و مقابله با تروریسم باشد. هیچ‌یک از اتباع این کشورها با نفهمیدن پیش می‌رود و منافع حیاتی آمریکا، اروپا و هیچ‌جای دیگری شرکت نداشته‌اند؛ برای مثال ایرانی‌ها نه در واقعه ۱۱ سپتامبر شرکت داشتند و نه در هیچ عملیات تروریستی دیگری و اگر قرار بود مبنای ترامپ منطقی باشد، باید اتباع کشورهایی مانند عربستان، پاکستان، مصر و افغانستان را شامل می‌شد. چند قاضی فدرال هم این تصمیم را بلاتاثیر کردند. ابتدا سال گذشته یک قاضی فدرال حکم داد که دستور وی درباره کسی که وارد آمریکا شده‌اند، باطل شود و گفت نمی‌توان آنها را بازداشت کرد یا بازگرداند و دستور رئیس‌جمهور تحت‌الشعاع قرار گرفت و کسانی که این مشکل را در نیویورک و نزدیک آن منطقه دارند نجات پیدا کرده‌اند. قاضی دیگری هم در ویرجینیا این کار را کرد و فرمانداران ایالت‌ها نیز موضع‌گیری‌هایی کرده‌اند. همین‌طور نمایندگان مجلس و فعالان حقوق بشری نیز حالا مقابل او ایستاده‌اند و نمی‌توان گفت امکان حمایت منطقی از چنین فردی وجود داشته باشد. به‌هرحال چه در آن موضوع و چه خروج از کنوانسیون‌های جهانی یا حمله به برجام و فعالیت‌های منطقه‌ای ایران، او یک دره بزرگ مقابل آمریکا ایجاد کرده و به نظر می‌رسد عاقله‌مند است این روند را ادامه دهد. رفتار ذاتی او بر مبنای تشتت، عدم آرامش و تخاصم استوار است و همین علت مخالفت مرکل، ماکرون و تیرا می‌باشد. درحالی‌که این کشورها معمولا متحد ذاتی آمریکا هستند. ترامپ نوعی تشتت در داخل آمریکا ایجاد کرده و در خارج آمریکا نیز ما چنین واکنش‌هایی را می‌بینیم. همین ابتدا میخائیل گورباچف،

> **به‌هرحال آمریکا یک کشورعادی نیست و باید از پایه‌های حفظ ثبات در جهان باشد. آن‌قدر نقش آمریکا در جهان زیاد است که یک فرد نامعمول نباید بر آن کشور حکومت کند. حاکمیت چنین فردی در یک کشور جهان‌سومی ممکن است به خود و کشورهای منطقه آسیب بزند، اما در آمریکا ممکن است به کل جهان آسیب بزند و این چیزی نیست که کل جهان بتواند آن را تحمل کند**

رهبر شوروی سابق، گفت سال ۲۰۱۷ سالی است که ترامپ با سیاست‌های خودش جهان را به لبه پرتگاه جنگ می‌برد. فراموش نکنیم ترامپ در سال اول ریاست‌جمهوری نیز قرار دارد و به نظر می‌رسد مقاومت‌ها علیه او هر روز بیشتر می‌شود. او درحال‌حاضر پایین‌ترین محبوبیت را در سال اول ریاست‌جمهوری به نسبت سایر رؤسای جمهور داشته و با بالای ۶۰ درصد شرکت‌کنندگان در نظرسنجی‌ها این کفاته‌اند مخالف خروج آمریکا از برجام هستند. سیاست‌های اجرایی ترامپ مخالفت‌ها را تشدید می‌کند. ترامپ دو راه بیشتر ندارد؛ یا مجبور است از سیاست‌های توخالی و عادی تبدیل شود یا اینکه استیضاح و عدم کفایت وی از سوی سنا پیش برده خواهد شد. به‌هرحال آمریکا یک کشور عادی نیست و باید از پایه‌های حفظ ثبات در جهان باشد. آن‌قدر نقش آمریکا در جهان زیاد است که یک فرد نامعمول نباید بر آن کشور حکومت کند. حاکمیت چنین فردی در یک کشور جهان‌سومی ممکن است به خود و کشورهای منطقه آسیب بزند، اما در آمریکا ممکن است به کل جهان آسیب بزند و این چیزی نیست که کل جهان بتواند آن را تحمل کند.

◄ روسیه همچنان به ترامپ امیدوار است؟ آیا ممکن است این امیدواری باعث عبور از ایران شود؟

روسیه در سیاست خارجی، شرایط خاص خود را دارد. وضعیت ترامپ با توجه به اتهاماتی که به دختر و داماد او در زمینه رابطه با روسیه وارد شده، برای برقراری رابطه مطلوب با روسیه دچار مشکل شده است. البته روس‌ها هنوز امید خود را از دست نداده‌اند. آنان مرتب تذکر می‌دهند که با وجود اینکه ما به‌دنبال بهبود روابط با آمریکا هستیم، با آمریکا اختلافات جدی داریم که آنها را کنار نمی‌گذاریم. روسیه آن‌قدر عاقل است که بداند ترامپ با نفهمیدن پیش می‌رود و منافع حیاتی آمریکا، روسیه و چین در یک طرف قابل جمع‌شدن نیستند. ممکن است به‌طور مقطعی همدیگر را تحمل کنند ولی در مقابل هم قرار خواهند گرفت.

◄ چینی‌ها چطور؟

چینی‌ها چین از اینه کنفوسیوس پیروی می‌کنند. عاقل و سنجیده عمل می‌کنند و واکنشی نشان نداده‌اند. اما کار خودشان را انجام می‌دهند و با وجود هیاهویی که ترامپ به راه انداخته است، چینی‌ها واکنش تندی از خود نشان نداده‌اند. ترامپ همه اعم از اروپا، آسیا و کشورهای اسلامی را برانگیخته است.

◄ در ایران، افرادی که گمان می‌کردند ترامپ بهتر از کلینتون است، امروز در شرایط دشواری قرار گرفته‌اند البته همچنان می‌گویند دموکرات‌ها نیز به فشارهایی از نوع دیگر بر ایران، مشهور هستند. به نظر شما با پدیده ترامپ چگونه باید مواجه شد؟

حامیان ایرانی ترامپ باید می‌دانستند جرا بسیاری از کارشناسان همان زمان، کلینتون را برای ایران، مناسب‌تر می‌دانستند. ترامپ در سخنرانی دو هفته خود فقط توهین کرد و به هیاهوی تبلیغاتی پرداخت و فرهنگ مخصوص خود را مطرح ساخت. به‌عبارتی دیگر ترامپ در این برنامه سخنرانی بیش از گذشته خود را مفتضح کرد و جهان پس از این سخنرانی پشت سر ایران یکپارچه‌تر شدند و این هم به لطف بی‌عقلی دونالد ترامپ محقق شد. هیچ‌وقت چنین نبوده که رؤسای فرانسه، انگلیس و آلمان بیانیه مشترک در حمایت از ایران صادر کنند. وزرای دولت دو کشور را به گفته‌اند که این مسئله باعث منزوی و بی‌اعتمادشدن بیشتر آمریکا می‌شود. به‌همین‌دلیل وزیر خارجه، وزیر دفاع و مشاور امنیت ملی کاخ سفید در آمریکا با کرار ترامپ مخالف بودند و حتی مشاور امنیت کاخ سفید به پایبندی ایران نسبت به برجام تاکید کرده بود؛ بنابراین ترامپ دست به کاری زده است که صرفا لابی اسرائیل و عربستان از آن خشنود شده‌اند. به عبارتی دیگر این حرکت را باید در مسیر رفتارهای نسنجیده گذشته او تعبیر

> **چنانچه طبق طرح ترامپ، کنگره نمایندگان آمریکا در این ۶۰ روز تحریمی علیه ایران تصویب نکند، خودش وارد صحنه شده و با خروج از برجام، تحریم‌هایی را به تصویب خواهد رساند؛ حتی اگر ترامپ بتواند این آخرین آرزوی خود را برآورده کند. آمریکای منزوی قادر نخواهد بود قانون داخلی خود را بر اروپایی‌ها و دیگرانی مانند روسیه و چین، تحمیل کند؛ زیرا از قبل، ترامپ و طرح‌هایش را رد کرده‌اند**

کرد. او تلاش می‌کند تا خود را در صحنه خارجی موفق معرفی کند و علامت موفقیت کشتی‌کج‌کار هم این است که مرتبا دست به زورگویی و قلدری زند. به هر حال او توپ را در زمین کنکره انداخته و کنکره هم می‌داند شکرد رئیس‌جمهور آمریکا چیست. بنابراین روی آن کار خواهد کرد ولی اروپایی‌ها بر کنکره تاثیرگذار هستند؛ بنابراین درابن‌باره اظهارنظر کند. ترامپ در سخنرانی دو هفته خود فقط توهین کرد و به هیاهوی تبلیغاتی پرداخت و فرهنگ مخصوص خود را مطرح ساخت. به‌عبارتی‌دیگر ترامپ در این برنامه سخنرانی بیش از گذشته خود را مفتضح کرد و جهان پس از این سخنرانی پشت سر ایران یکپارچه‌تر شدند و این هم به لطف بی‌عقلی دونالد ترامپ محقق شد. هیچ‌وقت چنین نبوده که رؤسای فرانسه، انگلیس و آلمان بیانیه مشترک در حمایت از ایران صادر کنند. وزرای دولت دو کشور را به گفته‌اند که این مسئله باعث منزوی و بی‌اعتمادشدن بیشتر آمریکا می‌شود. به‌همین‌دلیل وزیر خارجه، وزیر دفاع و مشاور امنیت ملی کاخ سفید در آمریکا با کرار ترامپ مخالف بودند و حتی مشاور امنیت کاخ سفید به پایبندی ایران نسبت به برجام تاکید کرده بود؛ بنابراین ترامپ دست به کاری زده است که صرفا لابی اسرائیل و عربستان از آن خشنود شده‌اند. به عبارتی دیگر این حرکت را باید در مسیر رفتارهای نسنجیده گذشته او تعبیر

◄ ترامپ چگونه باید مواجه شد؟

حامیان ایرانی ترامپ باید می‌دانستند جرا بسیاری از کارشناسان همان زمان، کلینتون را برای ایران، مناسب‌تر می‌دانستند. ترامپ در ابتدای راه است و می‌بینید هر روز جالش تازه‌ای برای کشورمان ایجاد می‌کند. او اگر سیاست‌های خود را ادامه دهد، وضعیت بسیار خصمانه‌ای به وجود خواهد آمد. بنابراین کسانی که از پیروزی او در ایران شادی می‌کردند باید امروز را می‌دیدند. در حالی که اگر کلینتون بر سر کار آمده بود، تنها کاری که می‌کرد این بود که در مورد حقوق بشر سرسخت‌تر از اوباما برخورد می‌کرد اما در سایر موارد مانند او بود. ترامپ همان اول دستور داد که بایتخت در فلسطین اشغالی از تل‌آویو به بیت‌المقدس شرقی برود و این، سیاست جمهوری اسلامی دراین‌خصوص از روز اول انقلاب تا امروز را به چالش جدی کشید. با توجه به فضایی که او برای خود و آمریکا داخل و خارج ایجاد کرده و در حال ایجاد بتلاق‌های جدیدی پیش پای خود است، بهترین راهبرد ایران، عدم مواجهه مستقیم با اوست. الکوی چینی‌ها در این مورد، ظاهرا بهتر جواب داده است که ما کار خودمان را به نحو احسن انجام داده و مطمئن باشیم که هم در داخل آمریکا و هم اروپا، روسیه و چین به حساب ترامپ خواهد رسید. هماهنگی در اتخاذ مواضع یکسان و شنیده‌شدن یک صدا از ایران، دارای اهمیت بسیار زیادی است.

◄ درباره برجام فکر می‌کنید ترامپ می‌تواند مسئله خاصی برای ایران ایجاد کند؟

سخنان اخیر ترامپ نشان داد که نه‌تنها او بلکه هیچ کشور دیگری هم به‌تنهایی توان خروج از برجام را ندارد به‌دلیل اینکه پایه این توافق حقوقی است و یک معاهده چندجانبه حقوقی چنین نیست که هرکسی بنابر سلیقه بتواند از آن خارج شود. ترامپ هم متوجه این مسئله شد و دو ماهی برای خروج از آن سروصدا راه انداخته بود، اما توانست از آن خارج شود. اگر ترامپ هم متوجه این مسئله شد و بداند که حتی نمی‌تواند عدم پایبندی ایران را اعلام کند زیرا اظهارنظر دراین‌باره برعهده رئیس‌جمهور آمریکا نیست بلکه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است که باید اصلاح سامانه آبیاری. به خودی خود، اقدامی اقتصادی است؛ اما دولت مسئولیت تأمین مالی آن را پذیرفته است و در نتیجه، کشاورز نیز در نوبه تأمین مالی دولت، گامی برای اصلاح سامانه آبیاری برنمی‌دارد. در شرایطی که هیچ‌یک از جهره‌داران، عمل، سهم و مسئولیتی در قبال وضعیت آب دشت نمی‌پذیرند و طبیعتا بنا بر منافع خود، به‌دنبال حداکثرکردن سهم آب خود هستند، ایجاد تعادل پایدار در دشت بسیار دشوار است.

چالش متقاضیان جدید آب

به‌دلیل نیاز کشور به توسعه، همیشه قابل‌توجه بوده است که آب ایجاد می‌شود. در ایران نیز مانند اغلب نقاط جهان، سیاست، به‌عنوان یک چالش در راه مدیریت علمی آب کارایی شده است؛ اما واقعیت آن است که فشار سیاسی و اجتماعی، نتیجه وجود یک نیاز واقعی به آب برای دستیابی به اهداف توسعه‌ای است. تقاضا برای مصارف جدید آب با فشار سیاسی و اجتماعی به وزارت نیرو نمایان می‌شود و وزارت نیرو عملا مجبور می‌شود یا از طریق طرح‌های سازه‌ای یا از طریق چشم‌پوشی بر استفاده‌برداشت از منابع آب موجود (در قالب حفر چاه‌های غیرمجاز، استفاده‌برداشت از چاه‌های مجاز و...)، با این تقاضاها کنار بیاید. به‌دلیل ساختار دولت و نحوه بودجه‌ریزی در کشور، تمایل به اجرای پروژه‌های بزرگ و ملی بسیار بیشتر از مدیریت تقاضا و بهره‌برداری است. وجود کلمه «آب جدید» در ادبیات کارشناسان این حوزه، برای آبی که سازه‌های آبی می‌توانند مدیریت کنند، نشان‌دهنده باسخی است که تاکنون به این چالش در کشورهای در حال گذار از قبیل اردن و چین نشان می‌دهد باوجود کیفیت بالای تجهیزات نصب‌شده و وجود سامانه متمرکز دولتی برای تعمیر و نگهداری از تجهیزات اندازه‌گیری، عمر مفید کنتورهای مکانیکی و الکترومغناطیسی نصب‌شده بین دو تا سه سال بوده است. بنابراین ابزارها تنها هنگامی مؤثر واقع می‌شوند که بهره‌بردار دشمن تلقی نشود. بهره‌بردار بتواند به ابزار اعتماد کند و در فرایند بهره‌برداری از ابزار فعالانه مشارکت کند. تجربه مشابهی درباره استفاده کشاورزان از وام‌ها و کمک‌های بلاعوض دولت به سامانه‌های مدرن کشاورزی وجود دارد. می‌دانیم که تردیدهای جدی درباره اثربخشی اصلاح بهره‌وری آبیاری بر کاهش مصرف آب وجود دارد؛ اما حتی اگر هم به توصیه هوانو و تکمیل چرخه مدیریت آب با استفاده توامان از کنتور حجم برداشت آب و اصلاح سامانه آبیاری عمل کنیم، کشاورزان در نبود پارامترهای جدی دولتی، از اصلاح سامانه‌های آبیاری خود استقبال نمی‌کنند.

در شرایط فعلی، با وجود اینکه کشاورز می‌توانسته با مدرن‌سازی آبیاری، نسبت به بهبنه‌سازی بهره‌وری آبیاری اقدام کند و حتی، به صورت غیرقانونی، مسطح زیر کشت و در نتیجه آدمه خود را افزایش دهد، عملا تنها هنگامی به تغییر سامانه آبیاری اقدام کرده که به کمک‌های بلاعوض و وام‌های دولتی دسترسی داشته است. یعنی وجود امکان بالقوه استفاده از وام و کمک بلاعوض دولتی موجب شده کشاورز در نبود آنها دست به تغییر سامانه آبیاری بزند. مطالعات مختلف نشان می‌دهد که

۵ چالش اساسی در انتظار وزیر نیروی دولت دوازدهم

چرا دولت امکان مدیریت بهینه منابع آب را ندارد؟

حسین نظربلند . محسن طراوت

به‌روزی وزیر نیروی جدید برگزیده می‌شود و ناچار است با پنج چالش بنیادین دست‌وپنجه نرم کند. نخستین گام برای غلبه بر هر چالش، شناخت و به‌رسمیت‌شناختن آن چالش است. مشکل آب، مشابه همه مشکلات دیگر، به این دلیل حل نشده است که پرسش درست نکرده‌ایم. وقتی چالش‌ها را شناختیم و پرسش‌های درست نمایان خواهند شد

به‌روزی وزیر نیروی جدید برگزیده می‌شود و ناچار است با پنج چالش بنیادین دست‌وپنجه نرم کند. نخستین گام برای غلبه بر هر چالش، شناخت و به‌رسمیت‌شناختن آن چالش است. مشکل آب، مشابه همه مشکلات دیگر، به این دلیل حل نشده است که پرسش درست نکرده‌ایم. وقتی چالش‌ها را شناختیم و پرسش‌های درست نمایان خواهند شد. پاسخ‌هایی درست نمایان خواهند شد. پاسخ‌هایی که در چارچوب رویکردی مشارکتی، بین‌رشته‌ای، انتقادی، انطاقی و پیچیده ارائه خواهد شد. ایران کشوری کم‌آب است و ازاین‌رو، هزاران سال است که درمدانش برای زندگی در آن، تلاش بر مبنای آب هستند. با برآمدن دولت مدرن، در فرایندی که با تصویب قانون قنوات در سال ۱۳۰۹ آغاز و با قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱ تکمیل شد، مدیریت آب که برای قرن‌ها، براساس سنت‌های کهن و ابداعاتی نیز خودجوشانه، با مشارکت ذی‌نفعان محلی و بهره‌برداران آب، صورت می‌گرفت، به دولت محول شد. مجموعه گزارش‌هایی که از وضعیت منابع آب ایران منتشر می‌شود، نشان می‌دهد که این مدیریت کارآمد و بهینه نبوده است. به‌عنوان مثنی نمونه خوراه، از سال ۱۳۹۲، بیش از ۱۱۰ میلیارد مترمکعب از آبخوان‌های آبرفتی کشور اصافه‌برداشت شده است که تاثیر دارد از دو شورشن و خشک‌شدن چاه‌ها و پایین‌رفتن سطح آب‌های زیرزمینی نشان داده است و حتی برخی دشت‌های ایران را رکودرا جهانی نشست زمین کرده است.

در پاسخ به دعوت دکتر اردکانیان، گزینه پیشنهادی وزارت نیرو، مبنی بر نگاهی متفاوته و مشارکت‌محوره به گذشته مدیریت آب در ایران، بر آن هستیم تا به این پرسش پاسخ دهیم که دولت برای مدیریت آب، به‌ویژه در کاربری‌های کشاورزی و صنعتی، با چه چالش‌های بنیادینی مواجه بوده است که تاکنون راهکار مناسبی برای غلبه بر آنها نیافته است.

چالش اعتماد

به دلایل اجتماعی و فرهنگی بنیان اعتماد اجتماعی بین دولت- ملت و میان خود مردم تا حدودی سست شده است. می‌دانیم که رابطه‌ای معکوس میان کنترل‌های رسمی و اعتماد وجود دارد. به این معنی که ممکن است سازوکارهای کنترل رسمی و بیش از حد محدودکننده، به این احساس در افراد منجر شوند که آنها مورد اعتماد نیستند. در حوزه آب، اصرار دولت بر اعمال کنترل‌های رسمی، در کنار اجرانشدن قوانین موجود یا اجرای ناعادلانه آنها، نبود اطلاعات شفاف درباره میزان تغذیه و برداشت هر آبخوان و جلب‌نکردن مشارکت ذی‌نفعان در فرایند مدیریت منابع آب، موجب تشدید چالش بی‌اعتمادی بهره‌برداران منابع آب به تصمیم‌گیران و به یکدیگر شده که باعث شده است به جای تشریک مساعی برای مدیریت منابع مشترک، شاهد رقابت برای برداشت سریع‌تر و بیشتر از آنها باشیم. در قرن اخیر و به‌ویژه در دولت اخیر، مدیران و کارشناسان دولتی بسیاری تلاش کرده‌اند وضعیت مدیریت آب کشور را سامان بخشند؛ اما متاسفانه همه تلاش‌های اغلب صادقانه مدیران و کارشناسان دولتی، از سوی بهره‌برداران آب کشور، به گونه‌ای دیگر تفسیر شده و به جای جلب مشارکت، تقابل آشکار و نهان آنها را در پی داشته است. برعکس باور موجود در ساختار مدیریت آب کشور، بهره‌برداران، تصور واقعی و عینی از وضعیت منابع آب دارند. آنها سالانه و حتی روزانه، با تغییر آبدهی و کیفیت آب خود مواجه هستند و مثلا هر چند وقت، متحمل هزینه‌های گراف کف‌شکنی یا تغییر محل چاه خود می‌شوند؛ تغییر کیفیت آب، بازده محصول‌شان را به‌شدت تغییر می‌دهد؛ باعث ایجاد رنمک و مسدودشدن لوله‌های آب‌رسانی و آبیاری مزارع می‌شود و کیفیت خاک را عوض می‌کند. کاهش آبدهی، به‌شدت کیفیت و کمیت محصول را کاهش می‌دهد و حتی در چاه‌های اشتراکی، اغلب بحران اجتماعی ایجاد می‌کند. به تعبیری، هرچند نزد کشاورزان، مهم‌ترین عامل برای تصمیم‌گیری درباره نوع کشت، درآمد فروش محصول و اطمینان از حصول درآمد است؛ اما آب مهم‌ترین دغدغه جاری در زندگی همه آنهاست. باوجودابن به دلیل بی‌اعتمادی، این درک عمیق نه‌تنها به عمل مؤثری در راستای کاهش حجم برداشت آب منتهی نمی‌شود؛ بلکه عموما منجر به رفتار و برداشت آب می‌شود. همان کشاورزی که نگران آینده زمین و کشت‌وکار خود و فرزندانش بر اثر بی‌آبی است، برای راحت‌تر بی‌دهد؛ «کمتر برداشت کنم که چه بشود؟ آب را با لوله ببرند شهر؟ یا بفروشند به فلان کارخانه؟ چرا من باید بهاً بپردازم تا آنها سود ببرند». تکرار کلمه «آنها» اشاره به طیف وسیعی از ذی‌مدخلان در تأمین، برداشت و حفاظت از منابع آب دارد. از سازمان آب مامورانش گرفته تا همسایه کناردستی. متاسفانه ادبیات مرسوم در مدیریت آب کشور، مبنی بر اعلام اخبار درباره لزوم کاهش سهم آب کشاورزی و نظایر آن، به‌شدت به این بی‌اعتمادی دامن می‌زند. «می‌خواهند سهم ما را کم کنند تا بتوانند به صنعت و شهر آب بفروشند». بخش دیگری از این بازل نیز بی‌اعتمادی مدیران آب به بهره‌برداران است؛ مدیر دستگاه اجرایی، کشاورزان را مقصر اصلی وضعیت فعلی می‌داند و گفتمان مشارکت آنها در مدیریت را در راستای سنگ‌اندازی در مدیریت و زیاده‌خواهی تعبیر می‌کند. شاید لازم باشد در برخی مناطق، بی‌اعتمادی مدیران دستگاه‌های مختلف اجرایی را نیز به این مسئله افزود. حواذی از قبیل شکست خطوط انتقال آب اصفهان به یزد، درگیری‌های متعدد و اغلب خشن بر سر نصب چاه‌های غیرمجاز و گزارش‌های متعدد از تعلل در کنتورهای حجمی آب کشاورزی و صنعتی نشان می‌دهد که طرفین، دلایل نسبتا موجهی برای بی‌اعتمادی به یکدیگر دارند. باید برای علت این بی‌اعتمادی‌ها در نقاط مختلف کشور می‌توان مسائل مختلف را برشمرد: تخلف‌ها، اجرای پروژه‌های عمرانی ناجیا، بدقولی‌ها و... اما نتیجه این بی‌اعتمادی (تقریبا) در همه‌جا یکسان است. واقعیت‌های یکسان از زوایای دید متفاوتی مشاهده

بیس ارکان مختلف مدیریت، برای اجرای این وظایف، اجرای آنها را مشروط به محال کرده است. ممکن است در منطقه دهی و برای دوره‌ای خاص این هماهنگی ایجاد شود؛ اما ایجاد هماهنگی در همه کشور و برای همیشه، طبق تجربه امکان‌پذیر نیست. به عنوان نمونه می‌توان به آمار دشت رفسنجان اشاره کرد. این دشت در سال ۱۳۵۳ بسا کمتر از ۵۰۰ حلقه چاه عمیق و نیمه‌عمیق، به‌دلیل اصافه‌برداشت سالانه ۹۸ میلیون مترمکعب از سفره‌های با نخ زیرزمینی، ممنوعه اعلام شد. با وجود این، در سال ۱۳۸۲ بالغ بر ۱۳۸۰ حلقه چاه مجاز در این دشت در حال بهره‌برداری بوده‌اند. یعنی دولت توانایی عملی اجرای مصوبه‌دترین قانون و جلوگیری از حفر چاه جدید را نداشته است و به طور ولی، نتوانسته با انواع اصافه‌برداشت‌های مجاز و حفر چاه‌های غیرمجاز برخورد کند.

دیگر ذی‌نفعان، مخصوصا بهره‌برداران آب، احساس می‌کنند همه مسئولیت مدیریت برداشت آب، به‌تنهایی، بر عهده دولت است و در فرایند مدیریت منابع آب مسئولیتی برای خود قائل نبوده، حتی در آن کارشکنی می‌کنند و این در حالی است که بیشترین منافع از اجرای طرح، در بلندمدت، به ایشان تعلق دارد. این عدم تناسب، در عمل، هر طرح کارآمدی را زمین‌گیر خواهد ساخت. در نگاه مدیریت کلان آب در کشور، بهره‌برداران به آموزش نیاز دارند. باید در قالب تنکل اجتماعی شوند، باید با گروه‌های کشت و بازرسی و کنتور مجهز به سامانه مخابراتی به‌دقت و هر لحظه کنترل شوند

> **به‌روزی وزیر نیروی جدید برگزیده می‌شود و ناچار است با پنج چالش بنیادین دست‌وپنجه نرم کند. نخستین گام برای غلبه بر هر چالش، شناخت و به‌رسمیت‌شناختن آن چالش است. مشکل آب، مشابه همه مشکلات دیگر، به این دلیل حل نشده است که پرسش درست نکرده‌ایم. وقتی چالش‌ها را شناختیم و پرسش‌هایی درست کردیم، پاسخ‌های درست نمایان خواهند شد**

و با ذهنیت‌های متفاوت تفسیر می‌شوند و کمتر زبان مشترکی را می‌تو